

۵ میزان ۱۳۹۴

فراخوان دادخواهی شهادت دکتور نجیب الله و برادرش احمدزی



نزده سال از شهادت رییس جمهور افغانستان دکتور نجیب الله و برادرش احمدزی می گذرد. در مورد شخصیت، شهامت، توانایی و مهارتهای استثنایی درسوق و اداره، باخبری و رسیده گی به رفع مایحتاج روزمره مردم در پهلوی توجه به انکشاف فرهنگی و اقتصادی؛ و همچنان در باره طرح و اهمیت پیشبرد سیاست مصالحه ملی زیاد گفته و نگاشته شده است. نظر من در خصوص این ابر مرد

تاریخ معاصر کشور ما در بزرگداشت از هجدهمین سالگرد شهادت او بیان گردیده است که خالی از مفاد نیست در نشانی ذیل به خوانش گرفته شود:

<http://www.payamewatan.com/18th-Aniversary/s.azhar270914.pdf>

اما آنچه می خواهم امروز در نهمین سالگرد آن شهید راه میهن و مردم، مطرح کنم فراخوان دادخواهی است.

در حالی که دکتور نجیب الله و همراهانش در دفتر رسمی ملل متحد و در پناه آن سازمان معتبر بین المللی به سر می برد و سازمان مذکور مسوولیت امنیت و مصونیت جان ایشان را داشت؛

با علم بر این که این موسسه جهانی از خصومت جهادی ها با دکتور نجیب الله و همراهان آگاه بود؛

با فهم این که طالبان بیشتر از «مجاهدان»، بی فرهنگ و سیه اندیش اند؛

با دانستن این که حکومت پاکستان و دستگاه استخبارات (آی اس آی) آن تشنه به خون دکتور نجیب بود؛

و با در نظر داشت این حقیقت که مجبور شدن دکتور نجیب الله به پناهگزینی در دفتر ملل متحد، پی آمد پذیرش پلان پنج فقره ای ملل متحد بود؛

سازمان ملل متحد و در رأس سرمنشی های سابقه و حالیه آن، مکلفیت قانونی، بشری و اخلاقی داشتند با فهم خطرهای احتمالی، برای مصون ساختن حیات دکتور نجیب و همراهان، اقدامات لازم، ازان جمله انتقال شان به کشوری مصون، به عمل می آوردند. با تغافل درین زمینه مسوولیت پاسخگویی را در قبال ملت افغانستان و جامعه جهانی دارد.

در آستان اشغال کابل توسط طالبان بی فرهنگ و فرار برادران تنی شان – مجاهدان، باز هم سازمان ملل متحد، اقدام جدی برای مصون ساختن پناهنده عالی مقامش انجام نداد. از این فروگذاشت نیز

پاسخگو باید باشند.

بعد از شهادت فجیع دکتور نجیب الله و برادرش احمدزی، که به وضوح بدون هدایت و همدستی استخبارات بیرونی، بالخصوص آی اس آی، صورت پذیرفته نمی توانست، باز هم سازمان ملل متحد قضیه را پیگیری نکرد و مرتکبان مستقیم و شریکان این جنایت نابخشودنی را به محاکم بین المللی نکشاند.

در بعد داخلی هم دولتهای بعد از طالبان، نه در مرحله دولت موقت و نه در دو دولت به ریاست حامد کرزی و سپس دولت فعلی به ریاست دکتور اشرف غنی، هیچ قدمی در زمینه تحقیق و مشخص ساختن مسوولان محلی، منطقه ای و فرا منطقه ای، برداشته نشد. با آنکه سر نخی در کتاب «اسرار مرگ دکتور نجیب الله» اثر محترم رزاق مامون، داده شده ولی نه بر مبنای همین سر نخ اقدامی صورت گرفت و نه بر اساس مکلفیتهای عام دولت.

در حالی که زیر نظر و توجه مستقیم حامد کرزی استخوان های گمگشته سردار محمد داوود کشف و با عزت و احترام با اجرای مراسم عالی دولتی در مقبره لایق شأنش به خاک سپرده شد و به جایگاه مناسب حالش ارج گذاشته شد، در مورد دکتور نجیب الله رییس جمهور محبوب مردم افغانستان، نه تنها که هیچ التفاتی به عمل نیامد، که حتا از نام بردنش نیز بر خود لرزیدند.

با ذکر حقایق بالا، از عموم عدالت پسندان، روشنفکران حق پسند، منسوبان طیف وسیع نیروهای مترقی و دموکرات توقع می رود از امروز تا یکسال دیگر- بیستمین سالگرد شهادت آن بزرگمرد-، مبارزه وسیع دادخواهانه با استفاده از تمام وسایل و امکانات، برای به میدان عمل کشاندن دولت افغانستان و سازمان ملل متحد به منظور تحقیق و کشف اسرار و مسوولان شهادت دکتور نجیب الله و برادرش، راه اندازند.

بایست دو نهاد مذکور را در برابر این چالش قرار دهیم و آنها را در آزمون اثبات مسوولیت پذیری شان به پیشگاه ملت و جهان روی صحنه بیاوریم.

در پهلوی رستاخیز مبارزه برای بر کرسی نشاندن این خواست، شاید انجمن با پرستیژ حقوقدانان افغانستان در اروپا، یکی از مراجع مناسب از نگاه حقوقی برای طرح و پیگیری موضوع، در همکاری با اتحادیه حقوقدانان افغانستان، کمیسیون حقوق بشر و دیگر نهادها باشد.

یاد دکتور نجیب الله، این رهبر محبوب مردم افغانستان و مستحق بلا منازع لقب شهید راه میهن و مردم، گرامی باد!